

آزمون حضوری
شماره پنج

رشته انسانی



تجربہ | ریاضی | انسانی

ویژہ کنکور
۱۴۰۳

مرورنامہ آزمون آزمایشی خلی سیز

نام درس	مباحث	از صفحہ	تا صفحہ	مؤلف	ویراستار
علوم اجتماعی	جامعہ شناسی ۱ درس ۵ تا ۸ صفحہ ۳۴ تا ۷۴ جامعہ شناسی ۳ درس ۲ صفحہ ۱۰ تا ۱۸	۲	۱۲	محمد ابراہیم مازنی	سعید ستودہ مہر



♦♦ درس ۵ دهم: جهان‌های اجتماعی (انسان، جهان‌های اجتماعی متنوعی پدید می‌آورد) ♦♦

- نظم و همکاری میان اعضای موجودات زنده یکسان است؛ همکاری دستگاه تنفس و گردش خون در بدن انسان‌ها، همیشه و همه‌جا یکسان است. نظم و همکاری موجوداتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند (مانند زنبورها) نیز، طی عصرهای متمادی تغییری نمی‌کند.
- اما انسان‌ها این‌گونه نیستند و می‌توانند جهان‌های اجتماعی متفاوتی پدید آورند.

♦♦ تفاوت میان جهان‌های اجتماعی ♦♦

- ← اگر ما تنها جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم ← ممکن است گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد.
- ← هنگامی که چشم خود را بر دیگر جوامع می‌گشاییم ← به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.
- ← یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم.

نکته

یک مثال در ارتباط با تنوع جهان‌های اجتماعی، تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان در جهان غرب بود.

- ← وظیفه جامعه‌شناسی مطالعه جوامع صنعتی پیشرفته (غربی) بود.
- ← مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی (غیرغربی) می‌پرداخت.

جامعه‌شناسان، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند؛ اما مردم‌شناسان به عمق اشتباه جامعه‌شناسان پی بردند.

از این‌رو ← یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن‌ها از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

– علت تفاوت و تنوع جهان‌های اجتماعی –

- رفتار سایر موجودات، ناآگاهانه و غریزی است ← بنابراین دارای یک شیوه زندگی هستند.
- انسان‌ها آگاه و خلاق هستند.
- در مقابل ← در مقابل فرهنگی که به آن‌ها از طریق تربیت منتقل می‌شود، منفعل نیستند و فعال و تأثیرگذارند.
- نتیجه: تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آن‌ها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

– نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف –

● براساس تقسیم‌بندی اجزای جهان اجتماعی به لایه‌های مختلف، تفاوت‌های مختلفی نیز در جهان اجتماعی پدید می‌آید:

● تفاوت‌های مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی (هنجارها و نمادها)	● از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد. ● درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود.
● تفاوت‌های مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی (ارزش‌ها و عقاید)	● جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. ● از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است.

● تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) جهان‌های اجتماعی ●

● در ارتباط با این که آیا جهان‌های اجتماعی، مسیرهای رشد یکسانی دارند یا متفاوت عمل می‌کنند، دو نظر وجود دارد:

جهان‌های اجتماعی در طول هم	جهان‌های اجتماعی در عرض هم
● عده‌ای از جامعه‌شناسان، از جمله اگوست کنت، اسپنسر، دورکیم و مارکس، معتقدند جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و مسیر یکسانی را طی می‌کنند.	● عده دیگری از اندیشمندان، از جمله مردم‌شناسان معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند و فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورند.
● معتقدند همه جهان‌های اجتماعی شبیه یک موجود زنده‌اند و تفاوت آن‌ها، همانند تفاوتی است که موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود را طی می‌کند.	● معتقدند تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، همانند تفاوت دو گونه متفاوت (مانند شیر و آهو) است.
● در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند و جوامع عقب‌مانده، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند. این موضوع منجر به شکل‌گیری نظریه استعمار شده است که امروزه به استثمار تبدیل شده است.	● مطابق با این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف، با روابط متقابلی که دارند، می‌توانند به صورت سالم و فعالانه از یکدیگر تجربه کسب کنند؛ اما نمی‌توانند مسیر دیگری را ادامه دهند.
● مطابق با این دیدگاه، دورکیم، حرکت جوامع بشری را به دو مرحله تقسیم می‌کند: (۱) جوامع مکانیکی؛ در آن تقسیم کار شکل نگرفته است یا در حد ساده و ابتدایی (مانند تقسیم کار سنی و جنسی) است. (۲) جوامع ارگانیکی؛ در آن تقسیم کار گسترده وجود دارد.	● مردم‌شناسان، براساس این دیدگاه، از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و هند یاد می‌کنند.



درس ۶ دهم: پیامدهای جهان اجتماعی (درهایی که جهان اجتماعی به روی ما می‌گشاید و درهایی که می‌بندد)

آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و ارادهٔ افراد است؟

- افراد انسانی با آگاهی و ارادهٔ خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند.
- ما در جهانی زندگی می‌کنیم که به واسطهٔ گذشتگان پدید آمده است ← به عبارت دیگر سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی، بیشتر از سهم زندگان است.

با آگاهی و ارادهٔ افراد انسانی پدید می‌آید.

جهان اجتماعی

- پس از آن که با کنش انسان‌ها تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال آورد که وابسته به قرارداد و ارادهٔ تک‌تک افراد نیست.
- این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.

جهان اجتماعی را می‌توان همچون خانه‌ای در نظر گرفت که انسان می‌سازد؛ ولی این خانه پس از ساخته‌شدن، الزام‌ها و پیامدهایی برای انسان پدید می‌آورد که رفتار و زندگی او را متأثر می‌سازد.

- ساختن جهان اجتماعی جدید -

- ما انسان‌ها در جهانی دیده می‌گشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می‌دهند.
- اما هر یک از انسان‌ها، در برابر نتایج کنش گذشتگان، صرفاً کنشگری منفعل و مجبور نیستند.

بلکه می‌توانند

- (۱) در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت جهان موجود حرکت کنند.
- (۲) در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدید گام بردارند.

هر جهان اجتماعی

- تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست ← پیامدهای آن نیز باقی است.
- با تغییر و برداشته‌شدن الزام‌هایش ← به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود و الزام‌های جدیدی به وجود می‌آورد.

پیامدهای جهان اجتماعی فرصت‌اند یا محدودیت؟

- بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. ← به عبارت دقیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌ها، دو روی یک سکه‌اند.
- بنابراین، هر پدیده‌ای در جهان اجتماعی، دارای فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است:

مثال

- قوانین راهنمایی و رانندگی ← اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد.
- عمل کردن به آن‌ها، فرصت رفت‌وآمد ایمن و سریع را به دنبال دارد.
- زبان ← زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد که منجر به محدودیت مردمی که با آن زبان سخن می‌گویند، می‌شود.
- این پدیده، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادلهٔ معنای پیچیده را فراهم می‌آورد.

نتیجه: هر جهان اجتماعی، براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد.



جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس (۱) آرمان‌ها و ارزش‌های آن‌ها و (۲) فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آبادکردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

نکته

فرصت‌ها و محدودیت‌ها یا بایدها و نبایدهای جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شود.

فرصت‌ها: بایدها - حقوق

محدودیت‌ها: نبایدها - تکالیف

تقسیم‌بندی جهان‌های اجتماعی براساس فرهنگ آن‌ها

جهان‌های اجتماعی را براساس فرهنگ آن‌ها، به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند. جهان معنوی نیز، دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. هر یک از این جهان‌ها، ویژگی‌هایی دارند و رفتار خاصی نسبت به طبیعت انجام می‌دهند:

- جهان دنیوی -

دارای فرهنگ دنیوی است و به آن سکولار نیز می‌گویند. منظور از فرهنگ سکولار، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. ویژگی در این فرهنگ - یا در محدوده منافع که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جهان دنیوی، همه ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد. در جهان دنیوی، طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد و صرفاً ماده خامی در اختیار انسان است که می‌تواند به میل خود در آن دخل و تصرف کند. تصویر از طبیعت بهره‌وری‌های بی‌نظیر و بحران‌های زیست محیطی کنونی، محصول همین دیدگاه است.

- جهان معنوی -

ویژگی: جهان معنوی، فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایه حیات برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدوده مرزهای این جهان عبور می‌کند. چهره آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند. توحیدی: فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ جهان توحیدی است. در جهان توحیدی، طبیعت موجودی زنده و آیت و نشانه خداوند حکیم و به خواست او مسخر انسان است و انسان، خلیفه الهی و مسئول عمران و آبادانی متصرفات است. اساطیری: فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است. جهان اساطیری طبیعت را قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌های آن‌ها می‌بیند و با محور دانش ابزاری متناظر با طبیعت، امکان بهره‌وری معقول از طبیعت را دور از دسترس می‌سازد. دو نوع توحیدی و اساطیری دارد:



فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد کدام‌اند؟

- منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس، یعنی جهان غرب در چهارصد سال اخیر است.
- اندیشمندانی از جمله ماکس وبر، درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های این جهان اندیشیده‌اند. ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، فرصت‌ها و محدودیت‌های این جهان را چنین برمی‌شمارد:

ویژگی	توضیحات
رویکرد دنیوی و این جهانی	<ul style="list-style-type: none"> ● جهان متجدد، رویکردی دنیوی و این جهانی دارد. ● این جهان، در جهت تسلط بر این عالم و بهره‌مندی از زندگی دنیوی گام برمی‌دارد.
گسترش عقلانیت ابزاری	<ul style="list-style-type: none"> ● در این جهان، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. علوم تجربی: با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی و مسلط‌شدن بر آن‌ها را به انسان می‌دهند. رشد این علوم و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را گسترش عقلانیت ابزاری می‌گویند.
قفس آهنین	<p>شعر مرتبط: قوت افزنگ از علم و فن است. / از همین آتش چراغش روشن است «اقبال لاهوری»</p> <ul style="list-style-type: none"> ● در جهان متجدد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیله علوم تجربی تعقیب می‌کنند، به شدت رواج می‌یابند. ← رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی تنگ می‌کند. ← این وضعیت به تدریج انسان‌ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند. ● از این روند، به از دست‌رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.
طرد عناصر معنوی و مقدس	<ul style="list-style-type: none"> ● در جهان متجدد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند. الف) همه در اختیار و کنترل بشرند. ب) به وسیله انسان به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند. پ) هیچ‌گونه قداستی ندارند.
زوال عقلانیت ذاتی (از دست رفتن دانش اهداف و ارزش‌ها)	<p>شعر مرتبط: در نگاهش آدمی آب و گل است / کاروان زندگی بی‌منزل است «اقبال لاهوری»</p> <ul style="list-style-type: none"> ● جهان متجدد، فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول علوم فراتجربی: <ul style="list-style-type: none"> ۱) امکان ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌های بشری (که پدیده‌هایی فراتجربی‌اند)، از دست می‌رود. ۲) داوری درباره ارزش‌ها و آرمان‌ها، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق سپرده می‌شود.

درس ۷ دهم: ارزیابی جهان‌های اجتماعی (جهان‌های اجتماعی را چگونه ارزیابی و داوری کنیم؟)

قلمرو آرمانی و واقعی جهان اجتماعی کدام‌اند؟

- مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، اهداف و ارزش‌های مشترکی دارند. ارزش‌ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی‌اند. وقتی مردم به ارزش‌ها عمل کنند، ارزش‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند.



تعریف: آرمان اجتماعی به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آن‌ها هستند، آرمان اجتماعی می‌گویند.

آرمان اجتماعی تصور اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و ... است.

نکته

آرمان‌های جهان اجتماعی، در ارزش‌ها متبلور می‌شود.

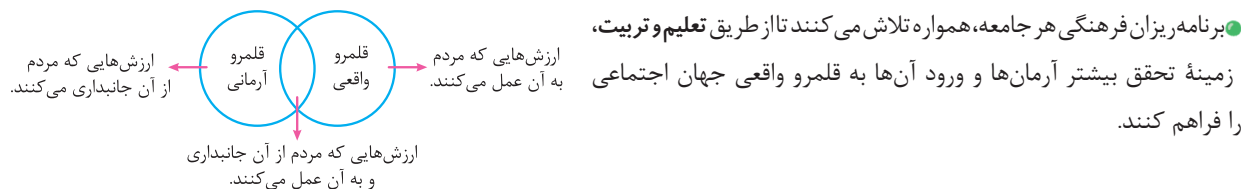
قلمرو آرمانی و واقعی جهان اجتماعی:

قلمرو آرمانی	شامل ارزش‌هایی است که مردم یک جامعه از آن جانبداری می‌کنند و رعایت آن‌ها را لازم می‌دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آن‌ها را نادیده بگیرند.
قلمرو واقعی	شامل ارزش‌هایی است که مردم به آن عمل می‌کنند.

– رابطه قلمرو آرمانی و واقعی جهان اجتماعی –

● قلمرو آرمانی و واقعی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آن‌ها براساس عمل مردم تغییر می‌کند.

یعنی: هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند. اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آن‌ها لازم می‌دانند عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.



●● قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم؟ ●●

واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را، می‌توان در پرتو **آرمان‌های آن** ارزیابی کرد.

اما خود آرمان‌ها نیز باید ارزیابی شوند تا درستی یا نادرستی آن‌ها مشخص شود. آرمان‌ها از طریق **حق یا باطل بودن** ارزیابی می‌شوند.

بخش باطل جهان اجتماعی	هر بخش از جهان اجتماعی است که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد.
بخش حق جهان اجتماعی	بخش‌هایی از جهان اجتماعی است که از لحاظ علمی صحیح و مطابق فطرت انسان‌ها باشد.

– ملاک تشخیص حق و باطل بودن –

- حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود.
- مثال: علوم تجربی توان داوری دربارهٔ **فنون و روش‌های اجرایی** را دارند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوهٔ مداوای بیماران را می‌توان با روش‌های تجربی شناخت.
- حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان دربارهٔ انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند.
- جهان‌های اجتماعی که (۱) علم را به روش تجربی محدود می‌کنند و (۲) عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق و باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند.
- پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی و واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند.
- از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌ها ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها را بشناسیم.
- برای داوری دربارهٔ آن‌ها راهی نداریم.
- علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکنند، می‌تواند دربارهٔ حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی داوری کند.



آیا حق و باطل، تابع جهان‌های اجتماعی اند؟

- حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است: پدیده‌ای در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرد و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد.
- ← مثال: امنیت، برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای در قلمرو آرمانی و برای یک جامعه بسلامان، در قلمرو واقعی است.
- در یک جهان اجتماعی نیز، پدیده‌ای در زمانی آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگر لباس واقعیت می‌پوشد.
- ← مثال: استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی، یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی، به یک واقعیت تبدیل شد.

نسبت میان حق و باطل و قلمرو آرمانی و واقعی جهان اجتماعی -

- حقایق ثابت هستند؛ حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف نسبت به آن‌ها تعیین نمی‌شود.
- مثال ۱: نژادگرایی از عقاید باطل است که باطل بودن آن، با نوع مواجهه جوامع مختلف با آن‌ها دگرگون نمی‌شود.
- مثال ۲: عدالت از عقاید حقیقی و درستی است که حقایق و درستی آن‌ها با موافقت و مخالفت آدمیان تغییر نمی‌یابد.
- حقایق هرچند خود ثابت‌اند؛ ولی از جهت قرارگرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی تغییرپذیرند.
- ← یعنی برای جهان‌های اجتماعی مختلف
- ← امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد.
- ← امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد.
- ← جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق و باطل بچرخند؛ اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آن‌ها، دچار تغییر نمی‌شود.

جوامع مختلف	
با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آن‌ها را به قلمرو آرمانی خود وارد می‌کنند.	اگر حقایق را نشناسند و به آن ایمان نیاورند یا اگر ایمان خود را نسبت به حقایق را از دست بدهند.
اگر هنجارها و اعمال خود را براساس این عقاید و ارزش‌ها سامان دهند، آن‌ها را به قلمرو واقعی وارد نموده‌اند.	از حق گسسته و به سوی باطل گام برمی‌دارند.

درس ۸ دهم: هویت (من کیستم؟)

هویت و ابعاد آن

هویت		
آن چیزی است که در پاسخ به پرسش «کیستی؟» می‌آید.	شخص با آن از افراد و اشیای دیگر متمایز می‌شود.	با نوعی احساس مثبت یا منفی همراه است.

ابعاد هویتی انسان -

ویژگی‌های هویتی انسان را براساس سه ملاک تقسیم می‌کنند:

۱ نقش انسان در ساختن ویژگی‌های هویتی:

- ← ویژگی‌های اکتسابی: این ویژگی‌های هویتی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آن نقش و سهم بسیاری داریم.
- ← مثال: صفات اخلاقی و روانی مانند خوش اخلاق یا بداخلاق بودن
- ← ویژگی‌های انتسابی: ما در شکل‌گیری این ویژگی‌های هویتی نقشی نداریم.
- ← مثال: مکان و زمان تولد یا دختر و پسر بودن

۲ تغییر پذیری ویژگی‌های هویتی:

ویژگی‌های ثابت: در طول زندگی تغییر نمی‌کند.

مثال: زمان و مکان تولد

ویژگی‌های متغیر: در طول زندگی، ممکن است دچار تغییر شود.

مثال: جایگاه فرد در جهان اجتماعی

۳ فردی یا اجتماعی بودن ویژگی‌های هویتی:

ویژگی‌های فردی: بدون ارتباط با دیگران، این ویژگی وجود دارد.

مثال: زرنگی یا تنبلی، صبوری یا زودرنجی

ویژگی‌های اجتماعی: فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی، نمی‌تواند این ویژگی‌ها را داشته باشد.

مثال: ایرانی بودن، کارمند بودن، فرزند سوم خانواده بودن و ...

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

● انسان‌ها، علاوه بر هویت اجتماعی، دارای هویت فردی نیز هستند. هویت فردی انسان نیز، به دو بخش جسمانی و نفسانی تقسیم می‌شود.

بنابراین سه بعد هویت انسان، از یکدیگر متمایز هستند:

۱ بعد جسمانی (طبیعی، بدن)

۲ بعد نفسانی (نفس و ویژگی‌های روانی و اخلاقی)

۳ بعد اجتماعی (نقش و عضویت فرد در جهان اجتماعی)

● سه بعد مذکور، از یکدیگر جدا نیستند و با یکدیگر، تعامل و ارتباط دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند:

الف) رابطه دوسویه جهان طبیعی و جهان نفسانی:

۱) تأثیر جهان طبیعی بر جهان نفسانی — مثال — ترشح بیش از اندازه غده تیروئید، موجب عصبانی شدن انسان می‌شود.

۲) تأثیر جهان نفسانی بر جهان طبیعی — مثال —
 ۱) برخی از بیماری‌های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می‌شود.
 ۲) برای هر کاری که نیت و اراده آدمی در انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود.

ب) رابطه دوسویه جهان طبیعی و جهان اجتماعی:

۱) تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی — مثال — در شرایط اقلیمی متفاوت، شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.

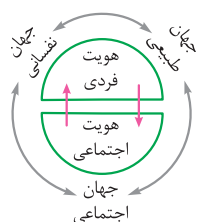
۲) تأثیر جهان اجتماعی بر جهان طبیعی — مثال — زندگی اجتماعی انسان‌ها، طبیعت را تهدید می‌کند.

پ) رابطه دوسویه جهان اجتماعی و جهان نفسانی:

۱) تأثیر جهان نفسانی بر جهان اجتماعی — مثال —
 ۱) یک انسان باتقوا جهانی را تغییر می‌دهد.
 ۲) امام خمینی (ره) با تقوای خود، توانستند مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و جهان امروز بشریت را دگرگون بسازند.

۲) تأثیر جهان اجتماعی بر جهان نفسانی — مثال — جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی اخلاقیات می‌شود.

● هر شش رابطه بالا را می‌توان در شکل مقابل مشاهده کرد:





تناسب و سازگاری هویت فردی و اجتماعی

هویت هر جهان اجتماعی
 قواعد، هنجارها و نمادهای هر جهان اجتماعی
 از این مسئله، سه نتیجه حاصل می‌شود:

۱) هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.

مثال: در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله‌ای آن‌ها مشخص می‌شود.
 در جامعه سرمایه‌داری، هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آن‌ها وابسته است.
 در جامعه دینی، هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش‌هایی است که آن دین محترم می‌شمارد.
 اسلام، هویت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.

۲) هر جهان اجتماعی براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند.

مثال: نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند.
 در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند محسوب می‌شود.

۳) هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود، با نوعی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تضعیف می‌کند.

مثال: جهان متجدد به تناسب رویکرد این جهانی خود، با آن دسته از ویژگی‌های اخلاقی و روانی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل گیرند (مانند فردگرایی، دم غنیمت‌شماری، انضباط، تبحر و ...).
 جهان متجدد با بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند (مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی و ...) سازگار نیست.

خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟

بخشی از هویت آگاهانه است — یعنی آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و برایمان بازگو می‌کنند.

بخشی دیگر از هویت ناآگاهانه است — یعنی برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم.

ما درباره ویژگی‌های هویتی که به آن‌ها آگاه نیستیم — تأمل می‌کنیم و از دیگران برای شناخت آن کمک می‌گیریم.
 نزد مشاوران، روان‌شناسان و روان‌کاوان می‌رویم.

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان، درباره ابعاد اجتماعی هویت بحث می‌کنند و نظر می‌دهند.
 اظهارنظر درباره هویت — فیلسوفان مباحث گسترده‌ای درباره هویت دارند.
 پیامبران و اولیای الهی از دیرباز درباره ابعاد هویت فردی و اجتماعی انسان و همچنین درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از خویش سخن گفته‌اند.

نکته

تردیدی نداریم که گاه، در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران، دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوت درباره هویت نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.



درس ۲ دوازدهم: علوم اجتماعی

اجتماعاتی که در آن زندگی می‌کنیم، بر رفتار ما اثر می‌گذارند و ما نیز با کنش‌های خود، بر آن تأثیر می‌گذاریم. مطالعه علمی این اجتماعات، به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامید.

به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کند. کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن (پدیده‌های اجتماعی) را بررسی می‌کند.

موضوع علوم

علوم طبیعی	موضوع علوم طبیعی، پدیده‌های طبیعی هستند. پدیده‌های طبیعی، به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند، بلکه مستقل از اراده انسان‌ها وجود دارند.
علوم انسانی	فعالیت‌های غیر ارادی بدن انسان، کنش نیستند؛ بنابراین در علوم طبیعی بحث می‌شوند، نه علوم انسانی.
علوم اجتماعی	درباره کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند؛ مثل اقتصاد و روان‌شناسی.
فلسفه	کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کند. علوم اجتماعی جزئی از علوم انسانی است و علوم انسانی، عام‌تر از علوم اجتماعی است. بنابراین، برخی علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی نیستند.
	موضوع آن، اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص نمی‌پردازد؛ بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند؛ مانند قانون علیت؛ بنابراین فلسفه، دانشی مستقل است.

ارتباط علوم انسانی و علوم اجتماعی

- در این زمینه، سه دیدگاه وجود دارد:
- ۱) علوم انسانی و علوم اجتماعی یکی هستند.
- ۲) موضوع علوم انسانی و علوم اجتماعی، یکسان است و درباره امور انسانی بحث می‌کنند؛ اما روش آن‌ها متفاوت است.
- ۳) روش علوم اجتماعی (جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی و ...) روش تجربی (طبیعی) روش علوم انسانی (هنر، فلسفه علوم اجتماعی و ...) روش‌های غیرتجربی
- علوم انسانی و اجتماعی موضوعات متفاوتی دارند. این نگاه وجود انسان را به ابعاد اجتماعی‌اش تقلیل نمی‌دهد و کنش‌های انسان را به کنش‌های اجتماعی او فرو نمی‌کاهد.

فواید علوم

فواید علوم طبیعی (ابزاری)	۱) شناخت طبیعت و قوانین آن → دادن قدرت پیش‌بینی و پیشگیری نسبت به طبیعت و کمک به انسان در استفاده از طبیعت
	۲) بهره‌مندی انسان از طبیعت و غلبه او بر محدودیت‌های طبیعی



<p>(۱) شناخت پدیده‌های اجتماعی ← پیش‌بینی آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی</p> <p>نکته: به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های اجتماعی، پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.</p> <p>(۲) کشف نظم و قواعد جهان اجتماعی ← توضیح تأثیر اجتماعات در زندگی‌ها توسط دانشمندان</p> <p>(۳) فراهم‌ساختن زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع از یکدیگر ← کمک به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها</p> <p>(۴) داوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد اصلاح آن‌ها ← فراهم آوردن فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح توسط دانشمندان</p> <p>(۵) داوری درباره علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن</p> <p>نکته: علوم اجتماعی درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان آگاهی می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند که از طبیعت و علوم اجتماعی طبیعی به شیوه صحیح استفاده کنند. ← از این رو علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردار است.</p> <p>(۶) شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن</p> <p>(۷) شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها</p> <p>(۸) رهاکردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید.</p>	<p>فواید علوم اجتماعی (تفهیمی و انتقادی)</p>
--	--

شاخه‌های علوم اجتماعی

- علوم اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی انسان را مطالعه می‌کند؛ از آن‌جا که کنش‌های انسان، ابعاد و انواع متعددی دارد، شاخه‌ها و دانش‌های متفاوتی در علوم اجتماعی پدید آمده است. جامعه‌شناسی نیز یکی از این شاخه‌هاست.

